جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۸
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۴۹۸۴۷۶
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۶۳۹۷ | چهارشنبه ۲۲ دی ۱۴۰۰ | ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۳ | اذان ظهر: ۱۲:۱۳ |
غروب آفتاب: ۱۷:۱۱ | اذان مغرب: ۱۷:۳۱ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۲۸ | اذان صبح فردا: ۰۵:۴۵ | طلوع آفتاب فردا: ۰۷:۱۴ |

مستند | حکیمه ابوالقاسمی

همراه با دوازدهمین جشنواره عمار

«به رنگ مریم» روایت جهاد در دل کرونا

روایت مستند «به رنگ مریم» در وهله اول روایت جهاد است؛ روایت انسان‌های جهادگری که همان روزهای اول کرونا با همه سختی‌ها و مشقت‌هایش، در خط مقدم جبهه مبارزه می‌کردند.

اولی جراح است و تنها جراح بیمارستان اطفال در دوران کرونا، دومی رزیدنت بیهوشی است و مادر دو بچه، دیگری هم دانشجوی طلبه‌ای است که همه تلاشش رفع خستگی کادر درمان و کم‌کردن بار مسئولیت از روی دوششان است. او حاضر است هر کمکی در بیمارستان بکند، از کارهای خدماتی گرفته تا گرفتن آبمیوه.

این سه جهادگر نماینده سه قشر در مبارزه با کرونا هستند و چقدر خوب هر کدام در جای خود، بهترین و باکیفیت‌ترین کاری را که از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند. با بیماران همدلی می‌کنند، امید می‌دهند و لبخند به لب‌ها می‌آورند. این سه نفر اما یک نقطه مشترک دارند. شجره خانواده؛ خانواده‌ای که هم شهید دارد، هم جهادگر. هم متخصص بیهوشی، هم متخصص اطفال. پدر و مادر خانواده هم عالم دینی هستند که همچون ستونی محکم، فرزندان به گرد آنها جمع می‌شوند. مستند درباره خانواده‌ای ساخته شده که از لبنان تا عراق و ایران روی محور مقاومت هجرت داشته، سختی کشیده، شهید داده و در نهایت کمک‌یار نفس کشیدن ایرانیان شده است؛ پزشکانی که در روزهای سخت کرونایی مرهم مردم بودند.

جهاد و جهادگر هر کجا باشد، تکلیفش مشخص است؛ لبنان، عراق یا ایران. پزشک و جهادگر و رزمنده هم وقتی اصل شجره طیبه در طیبات سیر کند، فرع آن میوه‌های شیرینی خواهد داد که همگان از طعم آن خواهند چشید. اگر درباره این مستند به انتخاب موضوع بسنده کنیم، به راستی ارزش دیدن دارد. تیم فنی سازنده، زحمت زیادی در پیداکردن سوژه کشیده و البته چه زیبا به تصویر کشیده شده است. مستند ابتدا از آسمان شروع می‌شود: «فرعها فی السما» و بدون هیچ معطلی وارد شجره (خانواده) می‌شود. با محوریت قرار دادن مریم، دختر خانواده، سایر اعضا با هنرمندی خاصی نمایش داده می‌شوند. انتخاب زبان ساده برای ارائه محتوایی ارزشمند، صداگذاری ابتدایی فیلم و سیاست انتقال سریع مطالب که در سراسر اثر مشاهده می‌شود، خیلی سریع ذهن بیننده را به سمت بزرگ‌ترین معضل اجتماعی قرن اخیر معطوف می‌سازد.

سازندگان فیلم با طرح یک معما تا دقایق انتهایی، مخاطب را با خود همراه نموده و این همراهی به دلیل ارائه محتواهای جدید، به شدت جذاب بوده و ذهن بیننده را تا انتهای مستند درگیر می‌کند. این معما همان شجره و خانواده است و ارتباط این افراد که هر کدام به معنی واقعی کلمه می‌توانستند موضوعی مستقل برای مستندهای متعدد محسوب شوند. در انتها هم این حس به مخاطب القا می‌شود که بار دیگر به کل اثر حتی شده در ذهن خویش بنگرند و ارتباطات شرح داده شده را دوباره مرور کنند. این اثر قطعاً ذهن مخاطب را تا مدت‌ها درگیر خواهد کرد، لیکن استفاده از جلوه‌های بصری بیشتر در ارائه اعضای خانواده به خصوص شهید آنها، می‌توانست اثری بی‌بدیل بر جای گذارد. ارزشمندی مستند، قطعاً مدیون محتوا و موضوع مناسبی است که انتخاب شده است اما عطش بیننده بعد از معرفی تأثیرگذار ولی چکشی و ضربه‌ای، پیوست فرهنگی را می‌طلبد تا شخصیت‌های خانواده و بالاخص شهید خانواده را بیشتر معرفی کند.

خبر

موزه هنرهای معاصر بازگشایی می‌شود

موزه هنرهای معاصر تهران که به دلیل آنچه «فضاسازی و آماده‌سازی نمایشگاه جدید» عنوان شد، از دوم دی ماه تعطیل شده بود، با نمایش آثار اعتراضی و انقلابی در نمایشگاهی با عنوان «آینه در آینه» فعالیت خود را از سر می‌گیرد.

به گزارش ایسنا، احسان آقایی، رئیس موزه هنرهای معاصر تهران گفت: نمایشگاه «آینه در آینه»، مجموعه نمایشگاه‌هایی است که از هم‌افزایی گنجینه موزه هنرهای معاصر و گنجینه آثار انقلابی کشور چون باغ نگارستان، حوزه هنری و انجمن عکاسان دفاع مقدس کشور تشکیل می‌شود. نمایشگاه «آینه در آینه» با حمایت جشنواره تجسمی فجر به دوره‌ای از هنر معاصر می‌پردازد که از هنر اعتراضی آغاز می‌شود و به هنر انقلاب و جنگ می‌پیوندد. سال‌ها بود موزه فکر تصمیم داشت یک نمایشگاه آثار اعتراضی را از نگاه هنری برگزار کند. این پروژه موزه برای جشنواره تجسمی جذاب بود و تصمیم گرفتند آن را حمایت کنند. این نمایشگاه از هنرمندان مستقل آغاز و به هنرمندان انقلابی ختم می‌شود.

نمایش آثار منصفانه صورت گرفته است و از هیچ جا و هیچ نهادی برای نمایش دادن یا ندادن آثار هنرمندان به ما فشاری وارد نشد و همه با این جریان همراهی کردند. رویکرد جدید جشنواره تجسمی فجر بدون هیچ نگاه جانبدارانه‌ای پژوهشی است و از نگاه‌های پژوهشی که متناسب با روند فعالیت آنهاست، حمایت می‌کند. کیانوش معتقدی، نمایشگاه‌گردان نمایشگاه «آینه در آینه» نیز بیان داشت: بیش از نیمی از آثار هنرمندانی که در این دوره و این بازه کار کرده‌اند، برای اولین بار به نمایش گذاشته می‌شوند. ما این شانس را داریم که نمونه‌های فوق‌العاده بی‌نظیری را از گنجینه موزه هنرهای معاصر بعد از ۴۰ سال در این نمایشگاه ارائه کنیم که روایت خیلی مهمی از نقاشی ایران از یک مقطع تاریخی است که با یک نوع اکسپرسیونیسم روایی همراه است.

موسیقی

وزیر ارشاد در دیدار با هنرمندان و فعالان موسیقی پاپ مطرح کرد

جامه عمل پوشاندن بر وعده‌های موسیقایی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیداری مستقیم با جمعی از خوانندگان، تهیه‌کنندگان و فعالان عرصه موسیقی پاپ کشورمان ضمن شنیدن برخی دغدغه‌ها و مشکلات آنها در این حوزه قول داد مطالبات و مشکلات این صنف را پیگیری کند و به تصمیمات برآمده از این جلسات جامه عمل بپوشاند.

دیدار محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با برخی تهیه‌کنندگان، هنرمندان و دست‌اندرکاران موسیقی پاپ کشورمان در نوع خودش اولین جلسه طی چهار دهه اخیر محسوب می‌شود که در آن عالی‌ترین مقام اجرایی در حوزه فرهنگی و هنری کشورمان تلاش کرد گوش شنوایی برای اهالی موسیقی در جهت بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌هایشان باشد؛ اتفاق مبارکی که در صورت استمرار آن می‌توانیم به حل مسائل و مشکلات پیش روی این حوزه از موسیقی و نیز حرکت به سمت برنامه‌های راهبردی موسیقایی کشور امیدوارتر باشیم.

محمدحسین توتونچیان، تهیه‌کننده موسیقی به عنوان یکی از حاضران در این جلسه در مورد این حرکت بی‌سابقه می‌گوید: ما برای اولین بار شاهد دیدار رودرروی هنرمندان با وزیر ارشاد و رخداد گفتمان با وزیر وزارتخانه متبوع خودمان بودیم. دیدار هر چند کوتاه بود اما به همه افراد حاضر در جلسه فرصت داده شد دغدغه‌ها، مشکلات و مسائلشان را مطرح کنند. آقای وزیر نیز تمام مسائل و موارد مطروحه توسط حاضران را یادداشت کرد و برای مرتفع کردن مشکلات هنرمندان قول مساعد داد و شخصی را به عنوان مسئول مشکلات و دغدغه‌های هنرمندان و تهیه‌کنندگان حوزه موسیقی پاپ گمارد. از همه بهتر و مهم‌تر اینکه قول مساعدت داد این دیدار همواره ادامه داشته باشد و بتواند مسائلی را که خوانندگان و تهیه‌کنندگان مطرح کردند، پیگیری و مرتفع کند.

توتونچیان می‌افزاید: برخی خوانندگان و تهیه‌کنندگان موانع و مشکلاتی را که تمام صنف موسیقی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، عنوان کردند و آقای وزیر قول داد در جلسات بعدی مطالبات و مشکلات این صنف را پیگیری کند و به تصمیمات برآمده از این جلسات جامه عمل بپوشاند. محمد حاتم‌پور از تهیه‌کنندگان عرصه موسیقی پاپ نیز درباره این دیدار می‌گوید: این برای ما بسیار ارزشمند بود که در جلسه یادشده تهیه‌کنندگان و اهالی موسیقی می‌توانستند به صورت مستقیم مباحث و مشکلاتی را که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند با یک مقام عالی در میان بگذارند. آقای وزیر تلاش داشت گوش شنوایی برای اهالی موسیقی در جهت بیان دیدگاه‌ها و دغدغه‌هایشان باشد. خوشبختانه این فرصت خوبی بود که ما بتوانیم بسیاری از مشکلات و مسائل را با آقای وزیر در میان بگذاریم.

تلویزیون

«دیدار» با شاعر غیرایرانی عاشق انقلاب

جدیدترین قسمت از برنامه تلویزیونی «به اضافه مستند» روایتی از زندگی و فعالیت ادبی «اکرام شاه» شاعر پارسی‌گوی پاکستانی است که در دیدار شاعران با رهبر انقلاب حضور داشت.

به گزارش «جوان» به نقل از روابط عمومی شبکه مستند، پنجاهمین قسمت از برنامه تلویزیونی «به اضافه مستند» با پخش و بررسی مستند «دیدار» به کارگردانی احمد جان‌میرزایی روی آنتن شبکه مستند می‌رود.

مجموعه مستند «دیدار» به زندگی و فعالیت‌های ادبی هفت شاعر پارسی‌گوی غیرایرانی نخبه می‌پردازد که در دیدار با مقام معظم رهبری در جلسه شعرخوانی نیمه ماه مبارک رمضان حضور داشتند. یکی از قسمت‌های این مجموعه به یک عمر فعالیت ادبی و زندگی «اکرام شاه» شاعر مشهور پارسی‌گوی پاکستانی می‌پردازد. دکتر سیدمحمد اکرم، معروف به «اکرام شاه»، شاعر پارسی‌گو و استاد دانشگاه پنجاب پاکستان است. او متخلص به «اکرام» است و اشعار زیادی به زبان پارسی منتشر کرده است. مستند «دیدار» که در کشور پاکستان فیلمبرداری شده است، پرتره‌ای از زندگی او را روایت کرده است. در این قسمت و پس از پخش مستند، میز کارشناسی برنامه با حضور ولید اقبال، نوه علامه اقبال لاهوری برگزار می‌شود و او درباره شعر پارسی در کشورهای هند و پاکستان صحبت می‌کند.

«به اضافه مستند»، مجموعه برنامه تلویزیونی شبکه مستند است که به پخش مستندهای دیده‌نشده داخلی و خارجی در تلویزیون و بحث کارشناسی پیرامون موضوع مستند می‌پردازد. این برنامه با اجرای امین قدمی، کارگردانی محسن کریمیان و تهیه‌کنندگی یاسر فریادرس با آیتم‌های مختلف سه‌شنبه‌های هر هفته ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه مستند می‌رود.

حکمت

امام حسین(ع):
شکر تو بر نعمت گذشته، زمینه‌ساز نعمت آینده است.

(نزهه الناظر و تنبیه الخاطر ص۸۰)

نما | حسین کشتکار

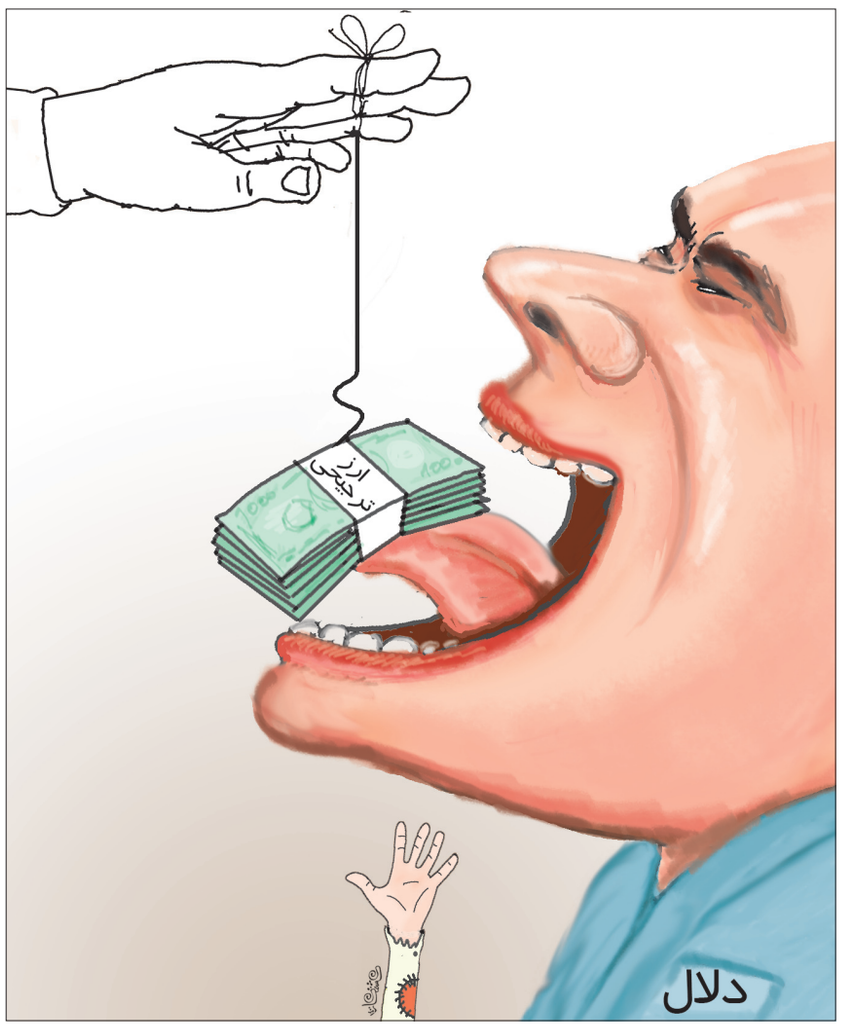

مجید شاه‌حسینی در دوازدهمین جشنواره «عمار»:

سینمای ما از پشت دیوار کاخ گلستان بیرون نیامد!

سینما وجه رسانه‌ای و مدیای بسیار جدی‌ای دارد و در وجه مدیاست که می‌تواند جامعه پر از ناامیدی را ققنوس‌وار به ساحل امید برساند

فرزین ماندگار

مجید شاه‌حسینی در نشستی در حاشیه دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار گفت: ما سینما را دست‌کم گرفته‌ایم و اینکه ندانیم از سینما چه بخواهیم، به آفت مدیران تبدیل شده است.

به گزارش «جوان» مجید شاه‌حسینی در حاشیه دوازدهمین جشنواره مردمی فیلم عمار در نشست «سینما کلید پیشرفت» گفت: ماجرای سینما و پیشرفت امری است که به عنوان مقوله سهل و ممتنع از آن نام برده می‌شود. از یک سو در دوران مدرنیته به جهان معرفی شده و عده‌ای وجه مدرن را سهل می‌دانند. حال به چه اعتبار سینما را کلید پیشرفت می‌دانیم؟ آیا فقط اینکه از توسعه و ارزش‌های اجتماعی آن جامعه حرف می‌زنیم، یعنی پیشرفتی حاصل شده است؟

این پژوهشگر سینما در ادامه درباره دوران‌های مختلف سینما در ایران عنوان کرد: «سینما در کشور ما یک جور کودک ناخواسته است که پادشاه قاجار در دومین سفر خود به فرنگ سینما را دید و پسندید و به کشور آورد. این سینما این قدر در حریم پادشاه قجر جا مانده که حتی به خود زحمت نمی‌دهد از پشت دیوارهای گلستان به میدان توپخانه بیاید و چرخی بزند و داشتن چنین فریم‌هایی برای ما حسرت شده است. در حقیقت سینما به مردم و زندگی و الگوی زیست آنها عنایتی ندارد و در خدمت دربار است.»

سینمای سفارتخانه‌ای

شاه‌حسینی به سویه دیگری از سینما هم پرداخت: «یک سویه دیگر سینما، سینمای سفارتخانه‌ای است. بعد از تولد سینمای نخستین به وساطت سفارتخانه‌ها، پرده‌های سینما به قهوه‌خانه‌ها آمد و چون مردم زبان نمی‌دانستند، نقالانی گمارده بودند برای مردمی که اکثراً زبان نمی‌دانستند، برای اثنای فیلم حرف می‌زدند و توضیح می‌دادند و در این نوع سینما دو نوع مستند مشهور با دو شعار پایانی و متفاوت زنده باد ژاپن، زنده باد روسیه را مردم نظاره می‌کردند. متأسفانه ما در قحطی بزرگ ۱۲۹۶ در ایران که یک هولوکاست ناجوانمردانه بود، حتی یک فریم از این واقعه دردناک و تاریخی نداریم. این در حالی است که اگر ما سینمای ملی داشتیم، لابد کسانی این واقعه را ثبت می‌کردند، پس ما جز سینمای درباری و سینمای سفارتی به گرایش سومی نمی‌رسیم.»

مابرای جراحی یک عزیز خانواده، همه دنبال بهترین تیم جراحی هستیم. حال سینما، جراحی جمعی است و ما به بیهوشی جمعی می‌رویم و انسان قبل و بعد از تماشای فیلم، باهم فرق می‌کند

چالش‌های سینمای ملی

شاه‌حسینی سپس به چالش‌های عمده سینمای ایران پرداخت: «تا سال‌ها حرفی از گرایش مستقل سینما نیست. تجربه‌هایی بوده اما سینمای ملی نیستند. هر چه هست خرده‌فرهنگ‌های مختلف است اما از دل جامعه برنیامده‌اند. این سینما به شدت توسط دستگاه ممیزی پهلوی کنترل می‌شد، حتی فیلم‌هایی که در آن سوی مرزها ساخته می‌شد از این ممیزی در امان نبود و بارزترین نمونه آن، فیلم «دختر لر» است که چند تغییر داشت و فیلمساز ملزم شد در فیلم به ایران دیروز و ایران امروز تأکید کند. ممیزها گفتند باید ابتدای فیلم به قاجار نسبت داده شود و قسمت دوم را که به ایران برمی‌گردند و مملکت بهشت برین است به دوران پهلوی نسبت دهند. سینما در آن زمان در شهربانی ممیزی می‌شد و حتی به اندازه‌ای ارزش نداشت که به اداره فرهنگ برود. همه آنچه به آن سینمای ایران می‌گویند از ۱۳۲۷ شروع شده است و شروع ضعیفی هم داشت، حتی نسخه‌ای از فیلم‌های آن زمان در دست نیست. همان فیلم‌ها هم الگوی خیلی جدی سینمای هند، مصر و عربی بودند و جای فرهنگ ایرانی در آن خالی است چه برسد به پیشرفت. همین الان کم نیستند که می‌گویند، چه کسی گفته سینما فراتر از کالاست. می‌گویند فیلم روی پرده مثل همان ساندویچی است که خورده می‌شود. سینما سینماست. شما پول می‌دهید و می‌روید فیلمی می‌بینید و برمی‌گردید و تمام. در حقیقت، سینما پدیده‌ای است که در ذات خود ایده‌پردازی دارد، اگر فیلمسازان از خود ایده‌ای نداشته باشند، از فرد دیگر ایده می‌گیرند و آن را می‌سازند. سینما گران‌تر از آن است که حدیث نفس فیلمساز باشد. جنس سینما هنر ناب نیست، هنر متکثر است. سینما وجه رسانه‌ای و مدیای بسیار جدی‌ای دارد و در وجه مدیاست که می‌تواند جامعه پر از ناامیدی را ققنوس‌وار به ساحل امید برساند و توقع زیادی نیست که سینما در وجه مدیا و رسانه نقش‌آفرینی کند.

اگر به برخی فیلمسازان برنمی‌خورد- چون آنها تکنیسین هستند- سینما ابزاری است برای مدیریت شدن، این طور نیست که فیلم راه خودش را برود. این پرسش هم قابل طرح است که آیا فیلم‌ها را کارگردانان می‌سازند و آنها صاحب فیلم هستند؟ در حقیقت سینما افکار عمومی را هم مدیریت می‌کند.»

سینما نوعی جراحی روح است

این پژوهشگر سینما معتقد است سینما را در ایران اشتباهی و دست‌کم گرفته‌اند: «همین شما در سینما خودخواسته از جهان واقعی به جهان مجازی وارد می‌شوید. سینما نوعی جراحی روح است و سؤال این است که آیا این سینما می‌تواند کلید پیشرفت باشد؟ بله. اما اینکه چه کسی جراح و تیم جراحی چه کسانی هستند، بسیار مهم است. ما برای جراحی یک عزیز خانواده، همه دنبال بهترین تیم جراحی هستیم. حال سینما، جراحی جمعی است و ما به بیهوشی جمعی می‌رویم و انسان قبل و بعد از تماشای فیلم، باهم فرق می‌کند. انسان‌ها می‌توانند بعد از خلسه تماشای فیلم و ورود به عالم مجاز فیلم، آدم‌هایی با خوش‌بینی معقول، با اعتمادبه‌نفس و پر از امید و مسئولیت‌پذیر شوند. اگر در یک جامعه‌ای بگویند سینما یک حق است نه تکلیف، آن جامعه دچار مشکلاتی می‌شود، پس پربیراه نیست که از سینماگران بخواهیم به تکالیفی عمل کنند، ضمن اینکه در کشور ما هنوز کیلومترها فاصله وجود دارد تا سینما یک صنف شود، هر صنفی باید دخل و خرج خود را دربیاورد و مالیات بدهد اما در سینمای ایران اینگونه نیست. سینما را به صنف تقلیل ندهیم. کدام صنف را می‌شناسید، اصحاب آن سلبریتی و در زمره مشاهیر باشند؟ سلبریتی و مشهور بودن یعنی رسانه دیگر! پشت چه پنهان می‌شوید؟ چون رسانه‌اید و مسئولیت اجتماعی دارید. در این اثنا، حتماً حرف اصلی با مسئولان سینماست. اگر سینما را با مستندهای درون‌ارگانی و درون‌سازمانی اشتباه گرفتند و سینماگران فکر کردند سینما ابزار نمایش نقص و سیاهی‌ها و تباهی است تا مسئولان ببینند و درصدد رفع مشکلات بربیایند، این فاجعه است. اما ما سینما را دست‌کم گرفته‌ایم و اینکه ندانیم از سینما چه بخواهیم به آفت مدیران تبدیل شده است، البته در کنار آن باید دید حوائج سینما نیز چیست. ان‌شاءالله مدیران درصدد این پاسخ‌ها بربیایند چراکه امروز این افراد مسئولند.»

نقد فیلم

«حکم تجدیدنظر» و این همه نابلدی

سینما با کسی شوخی ندارد، نمای نادرست و زوایای غلط نابلدی فیلمساز را روی پرده سینما لو می‌دهد

افشین علیار

زمانی که فیلم «حکم تجدیدنظر» شروع می‌شود از دیدن یک پلان تا شکل چیدمان یک سکانس که اساساً ربطی به میزانسن ندارد، مشخص است این اثر نمی‌تواند یک فیلم سینمایی با حداقل استانداردهای سینمای ایران باشد.

کارگردان فیلم محمدامین کریم‌پور است که از دنیای مجازی آمده و کوشیده با سرمایه‌ای که داشته است یک فیلم سینمایی بسازد. او شاید دغدغه این موضوع را داشته یا فکر می‌کرده است با ساختن فیلم می‌تواند اعتبار هنری بیشتری داشته باشد اما قطعاً انتخابش اشتباه بوده است چراکه سینما با کسی شوخی ندارد. نمای نادرست و زوایای غلط، نابلدی فیلمساز را روی پرده سینما لو می‌دهد. فیلم حکم تجدیدنظر فارغ از متن و اجرای قابل تحمل برای مخاطب یک شبه‌فیلم تیکه و پاره است که نه اولش و نه آخرش معلوم نیست، متن آن کپی دست‌چندمی است که از فیلمفارسی‌های دوزاری دهه ۴۰ می‌آید و مسئله به‌روزی که آقای کارگردان خواسته به آن برسد، آنقدر نارس و عقیم است که کارکردی ندارد. نوشتن درباره این فیلم ربطی به تحلیل حرفه‌ای ندارد چراکه اساساً نمی‌شود چنین اثری را تجزیه و تحلیل کرد. دوربین روی دست آنقدر لرزش‌های بی‌مورد دارد که نشان می‌دهد کارگردان تسلطی به نماها و زوایای دوربین ندارد. وقتی دو نفر دیالوگ می‌گویند، دوربین جای خود را نمی‌شناسد و کارگردان فرق لانگ و مدیوم یا تقطیع را نمی‌داند، وقتی حرکت دوربین به دلخواه کارگردان است و او هیچ پایبندی به رعایت چارچوب دید بصری ندارد، چه چیزی را می‌شود تحلیل کرد؟ اگر چند بازیگر معروف این فیلم را (غیر از همایون ارشادی که مدت‌هاست نمی‌تواند بازی کند) حذف کنیم و به جای آنها از نابازیگر استفاده کنیم، این فیلم هیچ چیزی ندارد. به نظر می‌رسد کارگردان جوان بهتر بود چند ترم کلاس‌های انجمن سینمای جوانان را می‌گذراند و بعد سراغ کارگردانی آن هم سینما می‌آمد. زمانی که کارگردان زوایای دوربین را نشناسد، دوربین روی دست می‌تواند نابلدی او را مخفی نگه دارد اما بی‌ثبات بودن دوربین از ندانستن فن سینما می‌آید و لرزش شدید دوربین هم ربطی به التهاب متن ندارد چراکه اینجا متنی در کار نیست، یعنی فیلمنامه بر اساس موقعیت‌های لحظه‌ای شکل می‌گیرد که درباره سایت‌های شرط‌بندی است و مادری که فکر می‌کند پسرش معصوم است اما در پایان می‌فهمد اشتباه کرده و دست به کشتن پسرش که در کماست، می‌زند. چطور ممکن است مادری چنین کاری انجام بدهد؟ یک ساعت و ۲۰ دقیقه از فیلم می‌گذرد، تازه متوجه جابه‌جایی لیدا و لادن می‌شویم و مادر چه راحت حرف‌های لادن را قبول می‌کند، این نه نتیجه‌گیری است و نه گره‌گشایی چراکه فیلمنامه‌ای در کار نیست، شخصیت‌ها معرفی نمی‌شوند، نمی‌دانیم دلیل جدایی مادر چه بوده و ارتباط مادر با رئیس شرکت نامعلوم است. این چرایی‌های بی‌مورد که از طرح می‌آید نه فیلمنامه، نمی‌تواند به اجرا برسد، به همین دلیل هیچ کنشی در شکل‌گیری درام به وجود نمی‌آید و حتی علاقه کریم‌پور به پیچیدگی روایی کار نمی‌کند و تمامی آنچه باید مخاطب ببیند، به دیالوگ‌گویی ارجاع داده می‌شود، یعنی میزان و عمق روابط میان آرش و لادن شکل نمی‌گیرد یا اینکه کارکرد بیماری قلبی دختر مشخص نمی‌شود. فیلم حکم تجدیدنظر الکن و خام‌دستانه است، می‌توانست فیلم کوتاه و محلی برای آزمون و خطای کریم‌پور باشد اما زمانی که فیلم بلند است، باید مختصات ساختاری آن با الگوهای حداقلی منطبق باشد ولی در این فیلم شاهد اتصال بی‌ربط اجرایی و محتوایی هستیم. به نظر می‌رسد مرتضی غفوری به عنوان فیلمبردار تلاش‌های زیادی انجام داده اما نتیجه کار بی‌ثمر بوده، ژاله صامتی تنها نکته فیلم است اما او همان بازی همیشگی‌اش را دارد و سایر بازی‌ها قابل قبول نیست که قطعاً به دلیل ضعف کارگردانی است. کریم‌پور از دنیای مجازی می‌آید، او اینفلوئنسر بوده، الان هم است اما اگر قصد دارد سینما را ادامه بدهد، بهتر است تجربه‌های بیشتری از راه آموزش کسب کند.

فجر

مدیر روابط عمومی چهلمین جشنواره فیلم فجر:

فرش قرمز جشنواره را در حد «فشن شو» پایین می‌آورد

محمد صادقی

چهلمین جشنواره فیلم فجر مراسم فرش قرمز نخواهد داشت تا از شباهت آن به جشنواره‌های خارجی کاسته شود.

چند سالی بود مراسم فرش قرمز به عنوان یکی از اجزای فرعی جشنواره فیلم فجر شناخته شده بود و اجرای آن پیش از اکران فیلم‌ها متداول بود. اکنون مدیریت جدید سازمان سینمایی که متولی برگزاری چهلمین جشنواره فیلم فجر است، با حذف «فرش قرمز» اولین قدم را برای تمایز دوره چهلم با سنوات قبلی برگزاری فیلم فجر آغاز کرده است. یزدان عشیری، مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر در این خصوص می‌گوید: «در دوره‌های گذشته جشنواره فیلم فجر، بخشی با عنوان «فرش قرمز» در جشنواره برگزار می‌شد که متأسفانه این بخش سرمنشأ حاشیه‌ها و الگودهی‌های غلط در جامعه بود، به نوعی کاریکاتوری تقلیدی از الگوی جشنواره‌های اروپایی بود که نیاز به بازنگری و کامل‌تر و هدفمندتر شدن داشت. این بخش در طول ادوار گذشته متن جشنواره یعنی نمایش فیلم و نفس برگزاری رویداد را به حاشیه می‌برد و بعضاً این جشنواره فرهنگی را به اندازه یک فشن‌شو لاکچری پایین می‌آورد. قصد ما عبور از این سطحی‌نگری‌ها و حاشیه‌هاست تا بلکه بتوانیم به متن جشنواره و ارتقای آن بیشتر نزدیک شویم. اساساً، موضوع حذف نیست بلکه کاربردی‌سازی و تقویت هویت بصری و فرهنگی جشنواره است.»

عشیری می‌افزاید: «اهمیت برگزاری جشنواره فیلم فجر به سرمایه فرهنگی و اجتماعی این رویداد است. نباید باعث کمرنگ شدن این سرمایه اجتماعی شویم و چهره یک رخداد زرد و حاشیه‌ای به آن ببخشیم.» مدیر روابط عمومی جشنواره فیلم فجر پیرامون تغییرات بصری این دوره از جشنواره توضیح داد: «امسال از ایده‌های علی وزیریان، هنرمند برجسته کشورمان استفاده می‌کنیم و سعی شده است هویت بصری، رنگ‌بندی و معماری جشنواره فیلم فجر به فرهنگ و هنر ایران نزدیک‌تر شود.» برخی گمانه‌زنی‌ها درباره برگزاری مراسم فرش قرمز، این گونه بود که این دوره معنای حذف فرش قرمز، یعنی انتخاب یک رنگ دیگر برای فرشی که زیر پای عوامل فیلم گسترده می‌شود! این اشتباهی بود که عشیری درباره آن توضیح داد و تأکید کرد: منظور از حذف فرش قرمز این است که به طور کل این بحث حاشیه‌ای از جشنواره کنار گذاشته شود و صحبت‌هایی درباره اینکه «فرش فیروزه‌ای» قرار است پهن شود، رد می‌شود. چهلمین جشنواره فیلم فجر در پچه ورود این جشنواره به دهه پنجم از فعالیت خود می‌تواند شروعی باشد برای ایجاد یک جشنواره با رویکردهای فرهنگی برخاسته از خواسته‌های جمهوری اسلامی در حوزه هنر سینما و همچنین برخورداری از فرهنگی ایران- اسلامی به جای سبک و سیاق غربی جشنواره‌های فیلم، امید است در سال‌های آینده این رویکرد بیشتر جلوه کند.